

دکتر پیمان سلامتی ■

متخصص پزشکی اجتماعی و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

عمل غیر اخلاقی چیست و بزهکاری کدام است؟

اگر در فلسفه اخلاق در مورد آنچه درست و نادرست یا خوب و بد است صحبت کنیم، به «اخلاق هنجاری» (Normative ethics) پرداخته‌ایم. به عبارت دیگر، اخلاق هنجاری، تعیین استانداردها و اصول و قواعد اخلاقی و مشخص نمودن رفتار درست و غلط را بر عهده دارد. به این ترتیب فیلسوفان همواره بر این باور بوده‌اند که سررشته اخلاق، شناخت قواعد یا اصول مناسب است. در حوزه علوم پزشکی نیز جهت پاسخ به چالش‌های اخلاقی مورد مواجهه، به فهم صحیح این اصول نیاز داریم. برای آنکه بدانیم چه عملی درست است، باید بدانیم چه قواعدی صحیح‌اند.

نظریه‌های اخلاقی به طور معمول از یکی از اصول زیر بهره برده‌اند:

● خود محوری اخلاقی (Ethical egoism): انسان باید همواره خیر شخصی خود را به حداکثر برساند.

● نظریه فرمان الهی (Divine command theory): هر آنچه خداوند فرمان دهد، درست است.

● اخلاق مبتنی بر قانون طبیعی (Natural law ethics): آدمی باید همواره بر وفق طبیعت عمل کند.

● مکتب کانت (Kantianism): باید همواره مطابق با ضابطه‌هایی عمل کرد که بتوان آنها را جهان شمول نمود.

● سودنگری (Utilitarianism): انسان باید همواره خیر کلی (یا مجموع) را به حداکثر برساند.

● اصل عدالت (Principle of justice): آدمی باید همواره عادلانه عمل کند.

عمل غیر اخلاقی چیست و بزهکاری کدام است؟

● اخلاق مبتنی بر محبت (Ethics of love): باید همواره از روی محبت عمل کرد.
● اخلاق مبتنی بر خشونت (Ethics of nonviolence): انسان باید همواره بدون خشونت عمل کند.

برخی از جنبش‌های دینی و اجتماعی بر مبنای اصول فوق پدیدار شده‌اند. بر مبنای این اصول، نظریه‌های اخلاقی را می‌توان در ۳ گروه کلی تقسیم نمود:

(الف) نظریه‌های وظیفه‌گرا،

(ب) نظریه‌های نتیجه‌گرا،

(ج) نظریه‌های مبتنی بر فضیلت.

نظریه‌های وظیفه‌گرایا اصلت وظیفه‌معتقدند که ویژگی‌های خود عمل، بدون در نظر گرفتن میزان نتایج مثبتی که در پی می‌آورد، می‌تواند آن عمل را صواب و لازم گرداند. یک فرد وظیفه‌گرا معتقد است ویژگی‌های معین خود عمل، دارای ارزش ذاتی است. مهم‌ترین نظریه‌پرداز این مکتب، «ایمانوئل کانت» (۱۷۲۴-۱۸۰۴)، فیلسوف آلمانی است.

بر مبنای مکتب کانت ما ملزم هستیم در هر وضعیت بر اساس یک اصل واحد عمل کنیم و باید در موقعیت‌های مشابه بدون توجه به زمان، مکان یا فرد، همان عمل را انجام دهیم. به عنوان مثال راست‌گویی یک اصل صحیح اخلاقی است که همیشه باید اجرا شود و دروغ حتی اگر موجب نجات جان انسانی شود، غیر اخلاقی است. کانت می‌گوید: «تکلیف به ما دستور می‌دهد که قانون اخلاقی را به صورت مطلق و نه به شکل امری مشروط انجام دهیم.»

نظریه‌های نتیجه‌گرایا اصلت نتیجه‌معتقدند یک عمل اخلاقی زمانی صحیح است که فواید آن بیش از پیامدهای منفی آن باشد. قایلین به این مکتب بازشناسی پایدها و نیایدها، درست‌ها و نادرست‌ها و خوب‌ها و بدها را با توجه به نتیجه کار و اندازه‌گیری میزان خیر و شر مرتب بر آن تعیین می‌کنند. یک فرد نتیجه‌گرا محور مرکزی، ارزش را نتیجه عمل می‌داند. زیر مجموعه‌های این نظریه به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

● **اخلاق خودگرا (Ethical egoism):** بر اساس این نظریه، یک عمل زمانی اخلاقی است که نتایج آن برای فرد انجام دهنده

مطلوب باشد.

● **اخلاق دیگرگرا (Ethical altruism):** بر اساس این نظریه، انسان باید تا حد امکان منافع دیگران را بر منافع خود ترجیح دهد.

● **نظریه سودگرا یا اصلت سودمندی (Utilitarianism):** بر اساس این نظریه،

یک عمل از نظر اخلاقی وقتی صحیح است که بیشترین سود را برای حداکثر افراد داشته باشد. این نظریه در اخلاق بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم‌ترین نظریه پردازان این مکتب «جان استوارت میل» (۱۸۰۶-۱۸۷۳) و «جرمی بنتام» (۱۷۴۸-۱۸۳۲) فیلسوفان انگلیسی هستند. بر مبنای این مکتب، لذت، یگانه چیزی است که ذاتا خیر است و درد یگانه چیزی است که ذاتا شر است. از این منظر باید تا جایی که در توان داریم تقاضای بیشتر لذت را بر درد برای بیشتر مردم ایجاد کنیم. به عنوان مثال، اکثریت پیروان مکتب اصلت سودمندی موافق سقط جنین هستند، زیرا این امر را دفاع از حقوق زنان می‌دانند و حق اتونومی کاملی را برای مادران در تصمیم در مورد جنین خود قابل هستند.

نظریه‌های مبتنی بر فضیلت (Virtue ethics) بر اهمیت ایجاد رفتار صحیح نهادینه (و نه صرف یادگیری اخلاق) تأکید دارند. در این نظریه، مهم‌ترین سؤال این است که چگونه فردی باید بشود؟ ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م) اولین فیلسوفی است که به صورت مبسوط به این موضوع در کتاب خود به نام اخلاق نیکوماخوس (Nicomachean ethics) پرداخته است.

وی در ادامه دیدگاه‌های سقراط (۴۷۰-۳۹۹ ق.م) و افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م) چهار فضیلت اصلی را عفت، حکمت، شجاعت، به ویژه عدالت می‌داند و عملی را خوب می‌داند که بر مبنای فضیلت چهارم یعنی عدالت صورت گیرد. به اعتقاد وی برای آنکه رفتارمان را درست کنیم، باید حدود وسط را پیدا کنیم. به عنوان مثال پرخوری افراط و کم‌خوری تفریط است و خوردن غذا به مقدار مناسب، عدالت یا میانه‌روی است.

بزهکاری (Delinquency) هر عملی است که توسط قانون موجب اعمال کیفر از طرف مقام قضایی شود. به عبارت دیگر فاصله‌های بین عمل غیر اخلاقی و بزهکاری وجود دارد که ملاک آن قانون است. به این ترتیب، گرچه برخی از اعمال غیر اخلاقی هستند، قانونگذار ارتکاب آنها را جرم نمی‌داند، اما در مقابل، هر گونه اعمال بزهکارانه رفتاری غیر اخلاقی هستند. تعریف بزه و اعمال بزهکارانه در هر جامعه‌ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود. گرچه در بیشتر جوامع، بزه به عنوان رفتاری قابل تنبیه از طرف قانون تعریف شده، صرفا در تبیین آن، مفهوم حقوقی مساله کافی نیست. در تعریف رفتار بزهکارانه اعمال زیر در اکثریت جوامع جرم شناخته می‌شوند:

● **قتل عمد (Homicide):** عملی که بدون دلیل قانونی سبب مرگ دیگر می‌شود.

● **تجاوز به عنف (Rape):** انجام اعمال جنسی و غیر قانونی با زور در مورد زنان.

● **غارتگری (Robbery):** برداشت و یا قصد برداشت به زور و یا تهدیدآمیز متعلقات دیگران.

● **نزاع (Assult):** قصد غیر قانونی در آسیب رساندن و جریحه دار کردن عواطف مردم از طریق لفظی و یا فیزیکی.

● **تجاوز به حریم (Burglary):** ورود غیر قانونی با زور و یا بدون زور به خانه مسکونی، اداره، محل کار و ... به قصد استفاده و دزدی.

● **دزدی (Larceny theft):** برداشت و یا سعی در برداشت غیر قانونی اموال دیگران بدون توسل به زور، مثل جیب‌بری.

● **دزدی وسایط نقلیه (Motor vehicle theft):** برداشت و یا سعی در برداشتن غیر قانونی وسایط نقلیه که به دیگران تعلق دارد.

● **آتش‌افروزی (Arson):** ایجاد خسارت عمدی از طریق آتش زدن

اموال شخصی دیگران و یا اموال عمومی مردم.

● **کلاهبرداری (Fraud):** قصد عمدی در فریب دادن دیگران به منظور نفع شخصی.

● **وحشی‌گری (Vandalism):** غارتگری خصمانه، وارد کردن خسارت به عمد به اموال خصوصی و یا عمومی مثل شکستن شیشه‌های اماکن عمومی و حمله به مردم.

● **فحشا (Prostitution):** انجام رابطه نامشروع و غیر قانونی جنسی و یا تبلیغ آن.

علاوه بر رفتارهای ذکر شده، رفتارهای دیگری هم هستند که بر اساس ارزش‌ها و تغییر در ارزش‌ها یا برحسب زمان و مکان، بزه تعریف می‌شوند. به عنوان مثال قوانین مربوط به رانندگی در حالت مستی در بعضی از جوامع به طور کلی در طول زمان دگرگون شده و امروزه به عنوان جرم شناخته شده‌اند. «دورکیم» (Durkheim) (۱۸۵۸-۱۹۱۷) جامعه‌شناس فرانسوی بزه را چنین تعریف می‌کند: «هر عملی وقتی جرم محسوب می‌شود که احساسات قوی و مشخص وجدان جمعی (گروهی) را جریحه‌دار سازد.»

بر اساس این تعریف به نظر می‌رسد برای تعریف بزهکاری همه جوامع نمی‌توانند یکدیگر هم‌صدا باشند، زیرا قضاوت جامعه در مورد ارزش‌های اجتماعی فرهنگی باعث می‌شود عمل، جرم شناخته‌شده خصوصیات آن عمل. به همین علت تعریف حقوقی بزه و رفتارهای بزهکارانه در اثر تغییر باورها و ارزش‌های یک جامعه می‌تواند دگرگون شوند. ■

منابع:

هولمز رابرت ال، مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه مسعود علیا، ققنوس، تهران: ۱۳۸۲.

گنسلر هری جی، درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، ترجمه حمیده بحرینی، ویراستار مصطفی ملکیان، آسمان خیال، تهران: ۱۳۸۵.

لاریجانی باقر، پزشک و ملاحظات اخلاقی: مروری بر مبانی اخلاق پزشکی، برای فردا، تهران: ۱۳۸۷.

مشکاتی زهراسادات، رضوی سید منصور، بزهکاری به عنوان آسیب اجتماعی، در کتاب جامع بهداشت عمومی، حسین حاتمیان و همکاران، برای فردا، تهران: ۱۳۸۵،

۱۹۵۳-۱۹۴۰.